



یادداشت

میراحمدرضا مشرف

به‌نظر می‌رسد انسداد مرز

از سوی پاکستان دلایل سیاسی دارد، نه اداری مالی

اسلام‌آباد و حکایت گندم ری!

این روزها اخبار ناخوشایندی در مورد توقف تجارت میان ایران و پاکستان در امتداد مرزهای دو کشور انتشار پیدا کرده است. بر این اساس، ابتدا برخی منابع رسانه‌ای و تاجران ایرانی از توقف صادرات ایران به پاکستان در دو مرز گمرکی و تجاری ریمدان و تفتان خبر دادند. در مرحله بعد مشخص شد این ممنوعیت، واردات از پاکستان را نیز شامل شده و در واقع کل مبادلات تجاری میان دو کشور را در برگرفته است.

بقایی، سخنگوی وزارت خارجه نیز ضمن تأیید اختلال در فعالیت گذرگاه‌های مرزی میان دو کشور، بر موقتی بودن این شرایط تأکید می‌کند. اما در طرف مقابل، روزنامه پاکستانی معتبر و پرتیراژ داون گزارش داد وزارت بازرگانی این کشور با صدور دستورالعملی فوری در روز جمعه هفته گذشته، از لغو دستورات پیشین این وزارتخانه درباره تجارت با ایران خبر داده است. از سوی دیگر اتاق بازرگانی و صنایع شهر کوئته پاکستان نیز از شرکت‌ها و بازرگانیانی که با ایران دادوستد دارند خواسته تا اطلاع ثانوی از ثبت سفارش جدید واردات و صادرات از ایران خودداری کنند.

اما در مورد دلایل اقدام اسلام‌آباد در انسداد یک‌طرفه مرزهای تجاری میان دو کشور روایت‌های ضد و نقیضی مطرح شده است. بر این اساس طرف‌های پاکستانی اصرار دارند این اقدام به‌دلیل مشکلات اداری و مالی و به دور از انگیزه‌های سیاسی انجام‌شده است. «شاهد ریند» مشاور رسانه‌ای و امور سیاسی سرور زیر ایالت بلوچستان پاکستان، هدف از این تصمیم را رسیدگی به نگرانی‌های امنیتی، جلوگیری از قاچاق و بهبود امنیت مرزها اعلام کرده است.

برخی منابع دیگر در ایران و پاکستان هم آشفتنگی در مرزهای گمرکی به دلیل افزایش یک‌باره حجم مبادلات مرزی، اختلافات میان تجار پاکستانی و دولت اسلام‌آباد و همچنین چالش‌های مالی و بانکی ناشی از تحریم‌های ایالات متحده را دلیل این انسداد اعلام کرده‌اند.

با این حال یک شائبه سیاسی قوی نیز در مورد دلیل این انسداد مطرح شده است که همان تبعیت دولت پاکستان از سیاست‌های تحریمی آمریکا و ترامپ علیه ایران است. در شرایطی که مقامات ارشد پاکستانی در اسلام‌آباد تاکنون از هر گونه اظهار نظر صریح در این مورد خودداری کرده‌اند، اما دلایلی در راستای تقویت این گمانه‌زنی‌ها وجود دارد؛ اینکه تحریم‌های مالی و بانکی پیش از این هم وجود داشته‌اند، اما هیچ‌گاه عاملی برای توقف کامل تجارت دو کشور نبوده‌اند. از سوی دیگر بعضی اخبار غیررسمی نیز از برخی فعالیت‌های نیروی دریایی ایالات متحده در آب‌های ساحلی پاکستان به عنوان بخشی از اجرای طرح محاصره دریایی ایران خبر داده‌اند.

باید امیدوار بود که این احتمالات و گمانه‌زنی‌های سیاسی در مورد همراهی دولت اسلام‌آباد با تحریم‌های ضدایرانی ترامپ درست نباشد، اما اگر این موضوع حتی درصدی از انگیزه‌های پاکستان در توقف تجارت با ایران را در برگرفته باشد، یادآوری چند نکته مهم، ضروری به نظر می‌رسد؛

۱. روابط ایران و پاکستان طی چند دهه‌ای که از استقلال پاکستان می‌گذرد، به‌ویژه از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، مبتنی بر حسن همجواری و حفظ توازن در ارتباطات دوجانبه منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. در همین چارچوب بدترین شرایط سیاسی و اختلاف نظرها در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی نتوانسته خلل چندانی در روابط و مراودات دو کشور به‌وجود آورد. حمایت آشکار پاکستان از طالبان در دوره حاکمیت اول طالبان که با قتل دیپلمات‌ها و خبرنگار ایران در مزار شریف توأم شد و یا تقابل‌های متعدد میان تهران و واشنگتن، با وجود مناسبات حسنه پاکستان و آمریکا، بخشی از این شرایط محسوب می‌شوند.

در تجاوز اخیر آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران و در شرایط انسداد تنگه هرمز نیز ایران با اجازه عبور به چندین سوپرتانکر گاز قطر به مقصد پاکستان، حسن‌نیت خود را در قبال مردم و دولت این کشور نشان داد. بنابراین چنین روابط پایدار و مبتنی بر حسن همجواری نباید بازپیچه سیاست‌ها و دسیسه‌چینی‌های فردی دمدمی مزاج قرار گیرد که حتی هیچ تضمینی برای دوستی و دشمنی‌اش در آینده وجود ندارد.

۲. اوضاع سیاسی داخلی پاکستان در این روزها در شرایط آشفتنگی مطلق قرار دارد. اقدام‌های تروریستی در گوشه و کنار این کشور به نقطه اوج خود رسیده است و مخالفان سیاسی نیز در برابر دولت نظامی‌گرای این کشور قه‌قلم کرده‌اند. این شرایط پیامدهایی هم برای ایران به همراه داشته که افزایش ناامنی‌ها در سیستان و بلوچستان تنها بخشی از آن بوده است.

در مقابل رویکرد جمهوری اسلامی ایران در عدم هر گونه مداخله در حوزه تحولات داخلی پاکستان و صبر راهبردی در چالش‌های امنیتی ناشی از اوضاع امنیتی پاکستان درخور توجه و تأمل بوده است.

۳. سرانجام اینکه اسلام‌آباد در محیط پیرامونی خود وضعیت پرچالشی را سیری می‌کند. تنش با هند و طالبان موجب شده ایران به تنها کشور مطمئن به لحاظ سیاسی و اقتصادی در محیط پیرامونی پاکستان تبدیل شود. بر این اساس در زمانی که تجارت پاکستان با افغانستان به مرز صفر رسیده و مسیر هند نیز از چند دهه پیش تاکنون عملاً مسدود بوده است، ایران در حال حاضر مهم‌ترین و حتی تنها گذرگاه عبور و در عین حال مهم‌ترین مقصد کالاهای پاکستانی به خارج از این کشور است. در نهایت همه این دلایل و شواهد را می‌توان هشداری برای پاکستان تلقی کرد مبنی بر آنکه روابط دیرینه و پایدار قربانی مطامع و سیاست‌های نشود که نه تنها هیچ اعتباری برای ثبات و تضمین آن‌ها وجود ندارد، بلکه در منافع سیاسی و اقتصادی میان‌مدت و درازمدت آن‌ها برای پاکستان نیز شک و تردید جدی وجود دارد. به واقع دور از ذهن نیست که حکایت روابط پاکستان و ترامپ، تکرار حکایت عمر بن سعد و گندم‌ری باشد.

مهدی حسن‌زاده | برگردیم به مرداد و شهریوری که

بنزین به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دولت و افکار عمومی تبدیل شده بود. کسری تراز بنزین، تنگ‌تر شدن حلقه محاصره و سخت‌تر شدن امکان واردات بنزین و افزایش مصرف بنزین در تابستان به دلیل سفرهای مردم، به عنوان دلایلی مطرح می‌شد که براساس آن باید اقدامی عاجل در زمینه بنزین صورت گیرد. اقدامی که با تغییر معنادار قیمت، بتواند شوک مؤثری به تقاضای بنزین وارد کند و با کاهش آن، وضعیت ناتراز بنزین را سامان دهد. در همان مقطع، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان بهینه‌سازی مصرف انرژی در واکنش به اخباری درباره عرضه بنزین ۸۷ هزار تومانی در کرمان، از سناریوهایی خبر داد که شامل تعطیلی جایگاه‌ها پس از اتمام بنزین تولید داخل، عرضه بنزین ۸۷ هزار تومانی به عنوان نرخ سوم بنزین و عرضه بنزین براساس کدملی به اعضای خانوار به جای خودرو و امکان فروش سهمیه مازاد به قیمت بازار می‌شد.

در حقیقت فضای تصمیم‌سازی در دولت و فضای افکار عمومی از سوی افرادی که همیشه نسخه شوک‌درمانی را برای ارز و انرژی توصیه می‌کردند و می‌کنند، برای جهش قیمت بنزین در حال فراهم شدن بود اما در سمت مقابل استدلال‌های دیگری مطرح بود. برخی مسئولان وزارت نفت، از تولید بنزین غیرپالایشگاهی خبر می‌دادند و می‌گفتند کسری تراز بنزین به اندازه‌ای که طرفداران شوک‌درمانی مطرح می‌کنند، نیست. علاوه بر اینکه با عبور از دوره سفرهای تابستانی، مصرف بنزین کاهش خواهد یافت. همچنین آمارهایی از ظرفیت خالی سی‌ان‌جی مطرح می‌شد که نشان می‌داد بخشی از مسئله کسری بنزین که بزرگ‌نمایی هم شده بود، از مسیر افزایش استفاده از سی‌ان‌جی قابل حل است.

گفت وگو

مهدی خالدي | ا اقدامی که مسعود پزشکیان آن را «پیام بلند و گیرا به دنیا و پیام حمایت قاطع دولت و مجلس از نیروهای مسلح به هگان» نامید، با رأی قاطع نمایندگان خانه ملت (۲۳۷ رأی)، مهرداد اخلاقی کتابچی به عنوان وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح انتخاب شد. پس از شهادت امیر عزیز نصیرزاده در حمله آمریکا و رژیم صهیونیستی به کشورمان، وزارتخانه مذکور با سرپرست اداره می‌شد و انتخاب اخیر در وضعیت حساس کنونی، اهمیتی دوچندان می‌یابد. رأی اعتماد در شرایطی که تجربه دو جنگ ۱۲ و ۴۰ روزه ضرورت بازنگری در الزامات دفاعی را برجسته کرده است، از نگاه برخی آغاز مرحله‌ای تازه در مدیریت وزارت دفاع نیز تعبیر می‌شود. در گفت‌وگو با مهدی بختیاری، کارشناس ارشد مسائل دفاعی و امنیتی؛ مسائل و موضوعات مختلف درخصوص اتفاق مذکور را به بحث گذاشته‌ایم.

■ارزیابی شما از رأی اعتماد مجلس به وزیر دفاع پیشنهادی چیست و این اتفاق چرا مهم است؟

وزارت دفاع به دلیل مأموریت محوله، وزارتخانه

بسیار مهم و راهبردی شناخته می‌شود. وظیفه اصلی‌اش همان گونه که از نام آن هم قابل برداشت بوده، پشتیبانی از نیروهای مسلح است. تأمین مدافعان امنیت در حوزه‌های مختلف به‌ویژه از جنبه تجهیزاتی آن هم در مقطع کنونی که کشور در جنگ قرار دارد و رزمندگان در نوک پیکان مبارزه هستند خطرتر و مهم‌تر است. بنابراین کسی که در رأس نهاد قرار می‌گیرد باید این توانمندی را داشته باشد که نیازمندی‌ها را برطرف کرده یا فرایند و راهکاری در پیش بگیرد که آن‌ها را پوشش دهد.



اخلاقی کتابچی با حدود ۴۳ سال پیشینه‌مدیریتی، دارای ویژگی‌هایی است که او را شایسته‌قرار گرفتن در چنین مسندی معرفی می‌کند. ایشان در بدنه و بخش‌های علمی، فنی، صنعتی و مدیریتی وزارتخانه پله‌پله رشد کرد. به لحاظ علمی اقداماتی داشته‌که در جشنواره‌های مختلف نیروهای مسلح‌وی به‌عنوان داور انتخاب شده و به لحاظ عملی و میدانی نیز مسئولیت‌های مهمی در دل وزارت دفاع بر عهده گرفته است. اخلاقی سال‌ها رئیس سازمان صنایع هوافضای وزارت دفاع بود، مسئولیتی که



معلوم نبود اگر تصمیم‌گیران، شوک بنزینی را به جامعه تحمیل می‌کردند، تاب‌آوری اجتماعی ما در برابر جنگ اقتصادی، نظامی و روانی دشمن چقدر بود

بازگردیم به میز تصمیم‌سازی که برخی در دولت بر شوک‌درمانی در زمینه بنزین اصرار داشتند اما واضح بود که در شرایط مواجهه با تهدیدهای جنگی و برنامه‌ریزی دشمن برای ایجاد نارضایتی و آشوب‌های داخلی، حتماً تصمیم‌گیری در بالاترین سطح دولت و سایر دستگاه‌ها، با لحاظ احتیاط‌های امنیتی باید صورت می‌گرفت اما

رئیس‌جمهور در شرایطی از بی‌نیازی کشور به واردات بنزین خبر داد که تا چندی قبل فشار رسانه‌ای جریان موسوم به شوک‌درمان و ادعای کمبود سوخت نزدیک بود فضای تصمیم‌سازی کشور را به اقدام‌های پرخطر در حوزه انرژی سوق دهد

بنزین و روسیاهی شوک درمان‌ها

بنزین از ۵ تا ۱۰ هزار و برخی اقدام‌های مکمل دیگر از جمله تشویق به استفاده از سی‌ان‌جی در دستور کار قرار گیرد و اکنون کار به جایی رسیده که رئیس‌جمهور روز گذشته در جلسه شورای اطلاع‌رسانی دولت درباره تأمین سوخت مورد نیاز کشور در شرایط محاصره اقتصادی گفته است: «برای جلوگیری از بروز مشکلات بیشتر در حوزه انرژی و سوخت موضوع صرفه‌جویی و مدیریت مصرف را در دستور کار قرار دادیم که با همراهی مردم، به میزان قابل توجهی صرفه‌جویی صورت گرفت و امروز از واردات بنزین بی‌نیاز شده‌ایم در حالی که می‌بایست ۱۲میلیارد دلار برای واردات بنزین مورد نیاز هزینه می‌کردیم». اکنون اگرچه جای خوشحالی دارد که مسئله بنزین فعلاً از وضعیت بحرانی خارج شده، اما این پرسش قابل طرح است که چگونه در حساس‌ترین شرایط اجتماعی و اقتصادی و در وضعیتی که آمریکایی‌ها به تغییر دست فرمان از جنگ نظامی به «عملیات خشم اقتصادی» با محوریت وزیر خزانه‌داری رسیده بودند، مسئله بنزین با بزرگ‌نمایی و تبلیغات به عنوان مسئله نخست کشور روی میز تصمیم‌گیری قرار گرفته بود؟ معلوم نبود اگر تصمیم‌گیران، شوک بنزینی را به جامعه تحمیل می‌کردند، تاب‌آوری اجتماعی ما در برابر جنگ اقتصادی، نظامی و روانی دشمن چقدر بود.

اینجاست که مجدد با ابراز خشنودی نسبت به اینکه با اقدامات غیرشوک‌آور فعلاً از واردات بنزین بی‌نیاز شده‌ایم، لازم است بازخوانی کنیم که چه افراد و جریان‌هایی داشتند ما را در محصمه شوک بنزینی قرار می‌دادند. اینجاست که باید درباره شوک‌درمان‌ها، نقش آن‌ها در محافل تصمیم‌گیر و نفوذ آن‌ها در تصمیم‌سازی حساس شد و با جدیت بیشتری در این باره اندیشید.

به بهانه رأی اعتماد قاطع نمایندگان مجلس به مهرداد اخلاقی کتابچی، گزینه پیشنهادی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح به نقش مهم این وزارتخانه و اولویت‌های آن در شرایط حساس نظامی پیش رو پرداخته‌ایم

قلب تپنده فناوری‌های نظامی در وزارت دفاع

تشخیص و سفارش داده می‌شوند. آنچه ما از بیرون به عنوان کارشناس می‌بینیم تمرکز در چند حوزه است؛ پدافند هوایی به تقویت نیاز دارد، صنعت موشکی نیز یکی از مهم‌ترین بازوهای دکترین نظامی ایران بوده و ایشان عملکرد خوبی در این بخش داشته است. معیشت کارکنان که رئیس‌جمهور، وزیر دفاع و پیشنهادی و برخی نمایندگان به آن اشاره داشتند و انضباط دهی به فرایندها مسائل اساسی دیگری است. وظیفه اصلی وزارت دفاع اگرچه بر تأمین و پشتیبانی از نیروهای مسلح متمرکز است اما انجام کارها فارغ از هماهنگی نهاد و دستگاه‌ها، به وحدت رویه حتی میان بخش‌های مختلف نیروهای مسلح وابسته است.

البته اخلاقی که سال‌ها در بخش‌های صنعتی و هوافضایی وزارت دفاع فعالیت کرده، اکنون با مجموعه‌ای از انتظارات و مأموریت‌های همزمان دیگر روبه‌رو است؛ استمرار زنجیره تأمین و تولید در شرایط حمله، استمرار جهش کمی و کیفی در تولید تسلیحات راهبردی به‌ویژه در حوزه موشکی و پهپادی و بازسازی و نوسازی زیرساخت‌های تولیدی با رعایت اصول پدافند غیرعامل، جزء این اولویت‌هاست.

روزشمار جنگ | روز دویست و بیست و نهم

خبرها از منطقه‌ای حکایت دارند که در آن، ادامه جنگ فقط خطوط درگیری را تغییر نمی‌دهد؛ ائتلاف‌ها، اولویت‌های اقتصادی و محاسبات سیاسی نیز در حال جابه‌جایی‌اند

جنگ، موازنه‌های منطقه را دوباره می‌چیند

■قاهره‌وارد محاسبات امنیتی ریاض می‌شود

رویترز گزارش داده مصر برای حمایت لازم از امنیت عربستان اعلام‌آماجی کرده‌والسیسی خواستار بررسی فوری مجوز کمک نظامی در پارلمان شده است. هنوز اعزام نیرو باورود مصر به عملیات تأیید نشده‌است. بااین حال،خبرهمزمان باتشدیدجنگ عربستان وانصارالله، معنایی فراتر ازیک‌اعلام‌همبستگی دارد.واشنگتن‌پست امروز نوشت دو طرف در یمن فعلاًپیروزی در میدان را بر مذاکره ترجیح می‌دهند. احمد ناجی از گروه بین‌المللی بحران این رویارویی را تعیین‌کننده آینده امنیت خلیج فارس دانسته است. عربستان دچار استیصال شده و دست‌نیز به سوی متحدان خود دراز کرده است. تصویر یک امنیت وابسته‌رامی‌توان به خوبی در رفتار ریاض دید.

■بازارهای یکسان واکنش نشان نمی‌دهند

هزینه بحران در شاخص‌های اقتصادی امروز هم دیده شد. رویترز از افت ۵۲درصدی بورس قطر و کاهش ۲٫۶ درصدی شاخص اصلی مصر خبر داد؛ در مقابل، بورس عربستان با اتکا به افزایش بهای نفت و رشد سهام آرامکو صعود کرد. نفت برنت نیز در معاملات جمعه به ۱۰۹٫۸۶ دلار رسیده بود. این تفاوت مهم است. جنگ برای همه کشورهای منطقه پرهزینه است، اما فشار آن یکسان توزیع نمی‌شود و همین امر بر ترجیحات سیاسی دولت‌ها اثر می‌گذارد.

تهدد تازه است. این دیدگاه، تحلیل نویسنده است، نه نتیجه قطعی مذاکرات. با این حال توضیح می‌دهد چرا حتی توافق بر سر ترتیب اقدامات به مسئله‌ای راهبردی تبدیل شده است.

■۲ طرف برای احتمال ادامه جنگ آماده‌اند

روز گذشته، مجلس به مهرداد اخلاقی برای وزارت دفاع رأی اعتماد داد. او بازسازی زیرساخت‌های صنایع دفاعی، توسعه فناوری و گسترش همکاری با بخش خصوصی را در برنامه خود قرار داده است. اخلاقی درباره حمله احتمالی آمریکا و استفاده از بمب سنگین غیرهسته‌ای نیز هشدار داد. وجود طرح‌های عملیاتی احتمالی، به‌معنای صدور دستور اجرای حمله نیست؛ اما ایران آشکارا احتمال تشدید دوباره جنگ را در برنامه‌ریزی دفاعی لحاظ می‌کند.

در سوی دیگر، کابینه رژیم صهیونیستی روز گذشته کاهش ۲٫۶ میلیارد شکیل از اعتبارات وزارتخانه‌های غیرنظامی را بارای تأمین خریدهای دفاعی تصویب کرد. تایمز آو اسرائیل گزارش داد بودجه آموزش، سلامت و رفاه تحت تأثیر قرار می‌گیرد، اما اعتبارات ویژه ائتلاف حاکم محفوظ می‌ماند. این تصمیم در آستانه انتخابات ۲۷ اکتبر، نشان می‌دهد تأمین ظرفیت نظامی بر بخشی از هزینه‌های اجتماعی اولویت یافته است؛ نه اینکه حمله جدیدی قطعی شده باشد.